

سالبه به انتفاء موضوع؛ بررسی دیدگاه خواجه نصیر

* سید محمود یوسف ثانی

استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

چکیده

دیدگاه ارسطو درباره تھی بودن یا نبودن حدود قضایا به دو گونه تفسیر شده است. مطابق یک تفسیر، حدود قضایا همیشه واجد فرد یا افراد موجودند و تھی نمیباشند. بنابراین، در قضایای سالبه نیز مجموعه افراد موضوع هیچگاه مجموعه‌یی تھی نیست. از این جهت بین قضیه سالبه و موجب در مورد لزوم وجود افراد برای موضوع تفاوتی وجود ندارد. بنا به تفسیر دیگر، در هر قضیه‌یی، سالبه باشد یا موجب، نخست اجزای قضیه باید مورد تصور قرار بگیرند و بوجود ذهنی موجود شوند، آنگاه اگر قضیه موجب بود علاوه بر این تصور ذهنی، باید فرد موجود یا مفروض الوجودی هم داشته باشد که بتواند مورد یک حکم ایجابی واقع شود. ولی اگر قضیه سالبه بود جز همان وجود ذهنی قضیه که برای انعقاد حکم لازم است، نیاز دیگری به فرد موجود یا مفروض الوجودی که وصف محمول را بپذیرد نیست و از این جهت میان قضیه سالبه و موجب تفاوت هست.

خواجه نصیر در تفسیر خود از قضیه سالبه به هر دو وجه توجه کرده و هر یک از دو تفسیر را به وجهی درست دانسته است. تفسیر نخست با توجه به قضایایی که در علوم مورد استفاده قرار میگیرند و پیوسته ناظر به حقایق خارجی هستند، تفسیری درست تلقی میشود و تفسیر

دوم بلحاظ مطلق قضیه سالبه و اینکه امر معدوم از آن جهت که معدوم است متصف به وصفی، از جمله وصف محمول، نیست، درست میباشد.

کلیدواژگان

ارسطو سالبه موجب
موضوع خواجه نصیر

دو دیدگاه درباره مفاهیم فاقد مصداق نزد ارسطو یکی از مسائل مطرح در فهم و تفسیر منطق ارسطو این مسئله است که آیا اطراف و حدود قضایا (موضوع و محمول) در قیاسات حاکی از مجموعه‌های تھی یا فاقد عضو هم میتوانند باشند یا آنکه در منطق ارسطو الفاظی که در جایگاه موضوع و محمول قضایا قرار میگیرند همیشه و در همه موارد حاکی از مجموعه‌های غیر تھی یا حداقل دارای یک عضو هستند. تا آنجا که میدانیم در میان صاحب‌نظران و پژوهندگان حوزه منطق ارسطویی هر دو رأی طرفداران و بالتبع مخالفانی دارد.

گروهی بر آنند که در سخنان ارسطو شواهد فراوانی

*.Email:yousefsani@irip.ir

تاریخ تأیید: ۹۴/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲۵